



ISSN:2588-7033



Functions of Conscription in Pahlavi-Era Iran

Yaser Bahrami-Chagni^{a*}, Salaheddin Ghaderi^b

^a Master's degree, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran

^b Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran

KEYWORDS

Pahlavi era, functions of conscription, modernization in Iran, military service

Received: 27 November 2024;
Accepted: 31 May 2025

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2025.2046906.1582

ABSTRACT

At the outset of Reza Shah's modernization, conscription became central to supplying manpower for the Iranian Army. From its inception, it retained its compulsory and universal character. Given its pervasive impact on contemporary Iranian society, this study addresses the functions that mandatory military service served during the Pahlavi era. Employing a historical-analytical approach grounded in archival documents, the research finds that conscription played positive roles by supplying unpaid manpower to the army, transforming the traditional social order, and fostering a citizen-state relationship. The conscription system also aided the Pahlavi government in consolidating power and standardizing national identity; efforts at social integration, mobilizing male citizens for unpaid service, and stabilizing social order were integral to the political resocialization of the populace. However, these very measures generated adverse social effects—extensive state control over society, interference in family and kinship structures, and enforced compliance among youth—which ultimately widened the gap between state and society.

* Corresponding author.
E-mail address: yaserbahrami24@gmail.com
©Author





کارکردهای خدمت سربازی در ایران عصر پهلوی

یاسر بهرامی چگنی^{الف}، صلاح‌الدین قادری^ب

^{الف} کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، yaserbahrami24@gmail.com

^ب دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، salahedin.gh@khu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
عصر پهلوی، کارکردهای خدمت سربازی، مدرنیزاسیون در ایران، نظام وظیفه	سربازی با شروع مدرنیزاسیون رضاشاهی، جایگاه مهمی در تامین نیروی انسانی ارتش ایران پیدا کرد. این پدیده ویژگی اجباری و فراگیر بودنش را از ابتدا تا کنون حفظ کرده است. لذا با توجه به متاثر شدن فراگیر جامعه معاصر ایران از این پدیده، تلاش شد به این سوال پاسخ داده شود که، در دوران پهلوی خدمت سربازی چه کارکردهایی داشته است؟. این پژوهش با روش تاریخی - تحلیلی و با استفاده از اسناد موجود، موضوع را مطالعه نموده است. یافته‌ها نشان داد که سربازی با تامین نیروی انسانی رایگان ارتش، تغییر در نظم سنتی جامعه و ایجاد رابطه شهروندی در نسبت مردم و دولت و کارکردهایی مثبت در عصر پهلوی داشت. نظام وظیفه به این حکومت برای تثبیت قدرت و یکسان سازی هویت ملی کمک کرد، تلاش برای ادغام اجتماعی، استفاده از نیروی انسانی شهروندان ذکور برای خدمت رایگان نظامی و تثبیت نظم اجتماعی نیز بخشی از تلاش حکومت‌ها برای بازجامعه‌پذیری سیاسی شهروندان بود. اما این اقدامات همزمان کژکاردهای اجتماعی این نهاد را مانند اعمال کنترل بر جامعه، کنترل نظام خانواده، خویشاوندی و تسلیم پذیری جولنان را به همراه داشته است که در نهایت بین حکومت و جامعه فاصله ایجاد می‌کرد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

گفته می‌شود خدمت سربازی، از زمان مصر قدیم یعنی از حدود ۲۷ قرن پیش از میلاد وجود داشته است (Shefritz et al, 1989: 411). از این رو سربازی به عنوان یکی از روش‌های تامین نیروی نظامی حکومت‌ها عمری طولانی دارد اما فرانسه اولین کشور اروپایی است که در ۵ سپتامبر ۱۷۹۸ اقدام به سربازگیری به شیوه جدید از شهروندان نمود (زنجانی، ۱۳۵۵: ۱۹). با فراگیری خدمت سربازی، در ایران نیز تلاش‌های زیادی در دوره قاجار برای استقرار شیوه سربازی جدید صورت گرفت، نخستین بار عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه برای سربازگیری به شیوه جدید تلاش کرد (کرونین، ۱۳۷۷: ۴۵۱). بعد از مرگ عباس میرزا امیرکبیر نیز شیوه سربازگیری داوطلبانه را که تا زمان او یکی از ارکان نیروی نظامی ارتش ایران بود را برچید و شیوه‌ای جدید با نام بنیچه را جایگزین آن کرد (علی‌بابایی، ۱۳۸۲: ۱۹۶). بنیچه نیز در مقایسه با قانون سربازی مدرن شیوه‌ای مناسب نبود، چون بنیچه برگرفته از نوعی سیستم مالیات‌گیری و وابسته به اراده حاکمان محلی بود. تلاش برای سربازگیری مدرن تا زمان رضاه شاه محقق نشد. در سال ۱۳۰۴ ه.ش مجلس شورای ملی قانون سربازی را تصویب کرد. بنا به قانون فوق فرزندان ذکور خانواده‌های ایرانی، توسط دولت و به مدت دو سال

مشمول خدمت سربازی می شدند (آشنا، ۱۳۸۸: ۲۶). با شکل گیری سربازی و تکیه رضاشاه بر ارتش به عنوان پایه ی اصلی نظام جدید دوره ای از امنیت و ثبات بر کشور حاکم شد. از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ به طور مداوم بر بودجه نظامی کشور و بر تعداد نفرات این نهاد افزوده شد. بودجه نظامی طی این دوره پنج برابر شد و شمار افراد نظامی از حدود تعداد ۴۰۰۰۰ هزار نفر به ۱۲۷۰۰۰ نفر رسید (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۶۹). در واقع پتانسیل تامین نیروی انسانی ارتش و نیروی نظامی با تصویب قانون سربازی افزایش یافته بود. بعدها پهلوی دوم نیز توسعه ارتش را با تکیه بر نیروی سرباز در پیش گرفت. محمدرضا پهلوی با افزایش بودجه نظامی و شمار نظامیان (افزایش از ۲۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۳۲ به ۴۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۶) نقش مهمی برای نیروی نظامی در افزایش و تحکیم امنیت کشور قائل بود (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۳۵). فرایند ملت سازی که با شکل گیری دولت مدرن اهمیت دوچندانی یافته بود نیز نیاز به فرهنگ مشترک و زبان مشترک داشت. چون این عوامل پیوند دهنده جمعیت کشور در یک پیکره گسترده و واحد بودند. سربازی با تجمع جوانان از سراسر کشور در نهادی با رویه ها و فرهنگ یکسان کننده می توانست در فرایند جامعه پذیری نقش مهمی ایفا کند. نقش این نهاد در پیشبرد امنیت و تامین نیروی انسانی ارتش از مهم ترین فلسفه وجودی آن عنوان شده است، چون با قرار گرفتن نیروی انسانی ارزان در خدمت بدنه امنیتی-دفاعی کشور در هزینه ها صرفه جویی می شود. با این وجود تبعات و الزامات این دوره برای جامعه در حال تغییر ایران یکی از ابعاد این پدیده است که از آن غفلت می شود. واقعیت این است که تغییرات تکنولوژیکی بعد از جنگ جهانی نحوه بکارگیری نیروی انسانی و نوع مسائل امنیتی و نظامی را تغییر داده است. اما با این وجود، در دوره پهلوی که داعیه مدرنیزاسیون سریع و برنامه ریزی شده را داشت تحولی در خدمت سربازی صورت نگرفت. با توجه به مطالب فوق مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با رویکرد تاریخی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به سوال زیر پاسخ دهد که کارکردهای آشکار و پنهان خدمت وظیفه در ایران دوره پهلوی چه بوده است؟

پیشینه تحقیق

طیف گسترده ای از تحقیقات داخلی و خارجی به پدیده سربازی پرداخته اند. اول، تحقیقات مقطعی پدیده سربازی را در رابطه با موضوعات روانشناختی و پزشکی مطالعه نموده اند. در صورتی که برخی از تحقیقات اجتماعی مانند پژوهش کاملی و پویانفر (۱۳۹۹) و علی عباسی (۱۳۸۴) با روش پیمایشی به بعد جامعه پذیری این نهاد توجه نموده اند. این تحقیقات کاربردی بوده و برای درک فرایند تاریخی سربازی در ایران مناسب نیستند. دوم، پژوهش های آینده پژوهانه نیز پیش بینی هایی در مورد آینده این نهاد داشته اند به عنوان نمونه نظری زاده و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به آینده پژوهشی سربازی در روندی ۱۵ ساله پرداخته اند و تحقق نیروی نظامی حرفه ای را در روندهای پیش رو ناممکن می دانند، نتایج تحقیق کروی (۱۳۸۲) نیز این نتیجه را در پی داشته است، برخی تحقیقات نیز مانند کاملی و پویانفر (۱۳۹۹) بر لزوم بهینه شدن تخصیص نیرو در این نهاد تاکید کرده اند. به طور کلی این تحقیقات با دیدی آینده پژوهانه وجود نهاد سربازی را در کشور کماکان ماندگار می دانند. این تحقیقات علی رغم پیش بینی در مورد روندی که در آینده برای سربازی متصور است به درک تاریخی پدیده سربازی و تحولات آن در ایران نمی پردازند.

سوم، از میان پژوهش ها آن بخش از تحقیقاتی که نگاه کارکردگرایانه و تاریخی به سربازی دارند در کشور ما اندک اند. تحقیقاتی چون پژوهش قائم مقامی (۱۳۲۶) دیدی جامع با این موضوع ندارند و سربازی را نتیجه فرعی مدرنیزاسیون ارتش دانسته اند. تحقیقاتی چون سیدبنکدار (۱۳۸۸)، نیازی و شالچی (۱۳۹۲) و سینایی (۱۳۸۸) نیز در این حوزه قرار دارند. سیدبنکدار سربازی را در دوره پهلوی اول در جهت سرکوب مخالفین و ایجاد نظم عمومی و از میان برداشتن مخالفان می دید و نیازی و شالچی نیز نهاد سربازی را

در پیوند با خلق شهروندان نظام مدرن در درون دولت-ملت می‌دانند. این تحقیقات (سینایی و مسعودی، ۱۳۹۲؛ سینایی، ۱۳۹۰؛ نیازی و شالچی، ۱۳۹۲؛ قائم مقامی، ۱۳۲۶) پدیده سربازی را در بطن جامعه و روندهای اجتماعی-سیاسی ایران دوره پهلوی اول تفسیر می‌کنند و برای تحقیق ما نیز سودمند هستند. اما آن‌ها نیز علی‌رغم دید فرایندی و پسینی به سربازی آن را پدیده‌ای در ذیل مفهوم دولت-ملت سازی ملاحظه نموده‌اند.

تحقیقات خارجی نیز مانند روزالین^۱ (۲۰۱۲) و هیپلر^۲ (۲۰۰۸) نشان می‌دهند کارکردهای خدمت سربازی در طول سده گذشته دچار دگرگونی شده است چنانکه در گذشته سربازی به عنوان نوعی نیروی نظامی و به عنوان عنصری خارج از نظام اجتماعی از سوی مردم و شهروندان طرد می‌شد اما هم اکنون با ورود این نیرو به بخش خدمات عمومی در برخی کشورها محبوبیت یافته است. جان‌جا^۳ و یلنا^۴ (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که سربازی به عنوان یک نهاد تمامیت‌خواه و تام در برخی کشورها همچون اسلوانی سربازان را در یک سلسله مراتب متصلب به نحوی از خود بیگانه کننده در خدمت خود درآورده و جامعه پذیر ساخته است. تحقیقات خارجی با وجود بصیرت‌هایی در مورد نحوه عملکرد ساختارهای سازمانی و اجتماعی سربازی در جامعه برای درک تحول سربازی در ایران ناکافی هستند. شرایط سربازی در ایران شرایط ویژه و خاص کشور ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه است. بنابراین پژوهش حاضر در پی این است که کارکردهای آشکار و پنهان سربازی در دوره پهلوی را به شکل مسئله‌ای مستقل مورد پژوهش قرار دهد. چراکه سربازی به عنوان پدیده‌ای که در عصر پهلوی به صورتی نهادی فراگیر درآمده بود و حداقل نیمی از جمعیت (مردان) کشور را متأثر می‌ساخت نیازمند بررسی جامع است.

مفاهیم و نظریه‌ها

برای فهم تغییراتی که ایران در طی سده گذشته از جمله در زمینه نظامی خاصه خدمت سربازی داشته است نیازمند مجموعه مفاهیم نظری و مقولات تبیینی هستیم. از میان مبانی نظری سطح توسعه آن دیدگاه‌هایی ما را کمک کرده است که تغییرات کشور را در چارچوب نوسازی تحلیل می‌کند چون تغییرات ایران در این دوره متأثر از تحولات بین‌المللی و نوعی نوسازی از بالا توسط حاکمیت است تا کشور را در مسیر توسعه جهانی قرار دهد. از جمله این نظریه‌ها دیدگاه پارسونز است او اعتقاد داشت که حرکت و دگرگونی اجتماعی امری متأثر از عوامل درون و برون سیستم (جامعه) است. به عبارتی تغییرات یک جامعه متأثر از عوامل خارجی و شرایط بین‌المللی و تغییرات درون جامعه در جهت انطباق با نیازهای آن است (ازکیا و غفاری، ۱۳۷۷: ۱۸۸-۱۷۹). مفهوم بروکراسی ویر نیز به فرایند گسترش عقلانیت ابزاری و بسط این نوع از عقلانیت در جامعه و در نهایت کنترل جامعه اشاره دارد (سیدمن، ۱۳۹۲: ۴۲). از نظر آلموند و وربا جامعه‌پذیری سیاسی و شهروندانی باورمند به نظم سیاسی لازمه حاکمیت‌های ملی برای حفظ و تداوم نظم اجتماعی است (Almond & verba, 1963: 168). انواع نوسازی که برینگتون مور در نظریه نوسازی سیاسی به آن اشاره دارد می‌تواند تبیین کننده نوسازی ایران باشد که این نوع نوسازی از طریق انقلاب از بالا (نوسازی محافظه‌کارانه) است (ازکیا و غفاری، ۱۳۷۷: ۲۰۲-۱۹۸). درواقع با نوسازی‌ای که رضاشاه در ایران شروع کرد فرایند مدرنیزاسیون ایران شکلی آمرانه یافت. مفهوم کارکرد، چنانکه مرتن نشان داد همیشه کارکردهای یک سیستم مثبت نیستند بلکه برخی از اجزای سیستم می‌توانند کارکرد منفی و

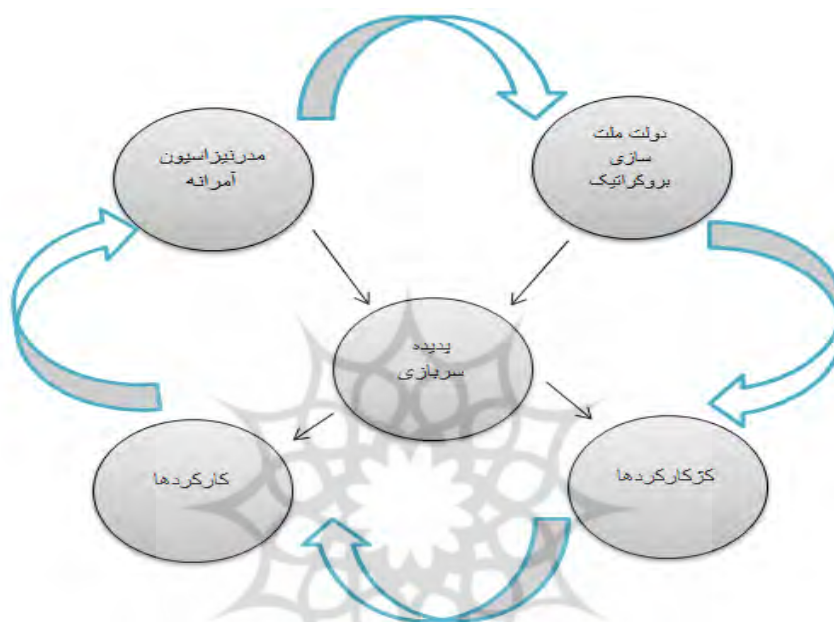
^۱ Rosalie

^۲ Hippler

^۳ Janja

^۴ Jelena

کژکارکرد داشته باشند (ریترز، ۱۳۸۷: ۱۴۶). از این رو با توجه به مقولات مطرح شده در نظریه‌های فوق سربازی در همان خط سیر پاسخ ایران به تحولات بین‌المللی، نیاز جامعه ایران برای رهایی از شرایط پیرامونی خود و تامین امنیت داخلی قرار دارد. هم‌زمان با بسط بروکراسی، جامعه تحت نظارت قرار گرفته می‌شود. جمعیت جوان ذکور کشور در این سازمان‌ها جامعه‌پذیری ثانوی را تجربه می‌کنند و جامعه ایران برای مدرنیزاسیون گسترده تحول می‌یابد. اما فرایند کلان تغییر جامعه از یک جامعه سنتی به یک جامعه مدرن و تحت نظارت تکنولوژیکی دارای پیامدهای مثبت و منفی است که پژوهش حاضر در پی پاسخ‌دهی به آن‌ها در دوره پهلوی است. با این تفاسیر مدل تحقیق متأثر از چارچوب نظری به این صورت شکل در نظر گرفته شد:



مدل شماره ۱: برگرفته از ادبیات نظری و تجربی تحقیق

روش‌شناسی

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است، پژوهش کیفی را اشتراک و کوربین این گونه تعریف می‌کنند «پژوهش کیفی پژوهشی است که داده‌هایش را از طریق عملیات آماری کسب نمی‌کند» (اشتراک و کوربین، ۱۳۹۲: ۳۲). در این تحقیق از روش تاریخی-تحلیلی استفاده می‌شود. این روش نیز از جمله روش‌های کیفی است که از دل داده‌های تاریخی به دنبال فهم و تحلیل وقایع اجتماعی-تاریخی است. روش کیفی متأثر از مکتب برساختی است چون از نظر پارادایمی^۲، تحقیق کیفی اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی-برساخت‌گرایی اجتماعی است (محمدپور، ۱۳۹۱: ۲۴) در مورد روش تاریخی-تحلیلی سعی در استفاده از متون و منابع معتبر و همچنین درک آن‌ها است. محقق باید بتواند با محتوای استنباط شده از اطلاعات گردآوری شده، پدیده مورد نظر را در یک نظم منطقی توصیف کند و با دیدگاهی تحلیلی به بحث و نتیجه‌گیری درباره اطلاعات به دست آمده دست بزند. نمونه تحقیق حاضر کتب و مقالات و اسنادی است که پدیده سربازی را در دوران پهلوی مورد بررسی قرار داده‌اند.

^۱Strauss & corbin

^۲Paradigm

یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا میدان پژوهش را که شامل سربازی در ایران و نحوه شکل‌گیری آن است را توضیح می‌دهیم. پس از آن، پیامدهای پدیده سربازی اعم از پیامدها و کارکردهای مثبت و کارکردها را نیز بررسی می‌کنیم.

میدان پژوهش

حکومت‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان ارتش‌هایی با نیروی نظامی سرباز در اختیار خود داشتند (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۷۲-۳۵). بعد از اسلام نیز حکومت‌ها از نیروی سرباز استفاده می‌کردند. در دوران قاجار ارتش مدرن کشورهای اروپایی، الگوی سازماندهی، نظم و آموزش جدید نظامی بود اما در مقایسه با آن ارتش ایران فاقد خصوصیات یک نیروی نظامی مدرن و قدرتمند بود. ژوبر^۱ فرستاده ناپلئون وضعیت نامطلوب ارتش ایران را در زمان عباس میرزا اینگونه توصیف می‌کند که «ارتش ایران امکانات و منابع مالی لازم را برای برآوردن هیچ یک از نیازهایش ندارد» (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۶-۲۱۴). برای حاکمیت و روشنفکران متأثر از رویارویی قشون ایران با قدرت‌های استعماری و مخصوصاً روسیه ضعف نظامی کشور آشکار شده بود (سینایی و مسعودی، ۱۳۹۲: ۸۶). تلاش‌های زیادی هم برای سازماندهی نوین ارتش شد از جمله؛ فتح‌علی‌شاه که قصد همکاری نظامی با فرانسویان را طبق قرارداد فین‌کشتاین داشت که ناکام ماند، پس از آن با جونز انگلیسی برای آموزش نظامیان در ایران قرار دادی بسته شد و آن هم نتیجه‌ای در پی نداشت (نایب پور، ۱۳۸۵: ۳-۸). عباس میرزا تلاش کرد ارتشی نوین و متکی بر دولت، سامان دهد که با مرگ ناپهنگام او موفقیتی به همراه نداشت (آوری، ۱۳۶۳: ۱۵۸). اما امیرکبیر در این زمینه اقدامات جدی‌تری انجام داد، او به تأسیس مدرسه دارالفنون پرداخت که امور نظامی و رشته‌های آن بخش مهمی از آن بود (قائم مقامی، ۱۳۴۶: ۶۹)، او شیوه سربازگیری بنیچه را بنیاد نهاد که نوعی شیوه تأمین نیروی انسانی بود و جایگزین نیروی داوطلب و شیوه‌های جذب نیروی انسانی قبل از آن شد (مکی، ۱۳۶۶: ۱۳۱). بر اساس قانون بنیچه‌ی امیرکبیر، ایران می‌توانست نود هزار نیروی نظامی داشته باشد که تا آن زمان بی سابقه بود. طبق قانون بنیچه سربازان از رعیت دارای خدم و حشم انتخاب می‌شد (حاجبی، ۱۳۰۴: ۳۴-۳۵). با وجود این تلاش‌ها، ارتش ایران تا پایان حکومت قاجار از شمایل و سازماندهی یک ارتش جدید بسیار دور بود. ارتش ایران سلاح‌های ابتدایی داشت و تعداد نفرات آن ۶۰ یا ۷۰ هزار نفر بود که در دوره ای ۶ یا ۷ ماهه حقوق می‌گرفتند. تفنگ‌های فیتیله‌ای و واحد توپخانه آن نیز بخش کوچکی از ارتش بود (فوران، ۱۳۹۲: ۲۱۸). این عدم توفیق‌ها هم‌زمان با نوگرایی در عصر مشروطه بود از این رو بسیاری از روشنفکران^۲ و مشروطه‌خواهان، نوسازی سیستم سیاسی و بروکراسی کشور را امری ضروری می‌دانستند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۶۳۱). برای آنان انضباط و به طور کلی شیوه حکومت‌نویین اهمیت اساسی داشت (آجدانی، ۱۳۸۶: ۱۵). یکی از موارد با اهمیت نوگرایان نوسازی ارتش بود در مجلس اول تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا ایران نیز به شیوه کشورهای اروپایی اقدام به سربازگیری نماید (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۲۳). چون نظام‌وظیفه روشی کم هزینه و سریع برای تأمین منابع انسانی پیرامون سازمان‌های نظامی در دولت‌های مدرن تدارک می‌دید (بشیری، ۱۳۷۳: ۱۸۹). آنچه نظام‌وظیفه را از دیگر روش‌های تأمین منابع انسانی برای نیروهای مسلح متفاوت ساخت دو ویژگی اجباری بودن و عام بودن بود (سینایی، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۱۹۹).

تغییر و تحولات دوره‌ی مورد نظر مخصوصاً از ۱۳۰۰ ه.ش به بعد توسط یک حکومت مطلقه نظامی صورت گرفت که هم در پی

^۱ Juber

^۲ Intellectual

بازسازی و نوسازی ایران بود و هم می‌خواست قدرت خود را در سراسر کشور بگستراند (قدیمی، ۱۳۲۶: ۷۰). قدرت حکومت در شمایل جدید تلاش خود را مصروف این نمود که سازمانی نو برای ارتش و واحدهای آن بنا نهد (دادرویشی، ۱۳۷۹: ۲۴). در چنین اوضاع احوالی و در راستای دست‌یابی به ارتش منظم افسرانی که تا این تاریخ حاضر به همزیستی با افسران قزاق نبودند، تحت تأثیر سردار سپه در چهاردهم دی ماه ۱۳۰۰ ش. به موجب ماده ۱۳ دستور ۳۰۴ ژاندارمری به سازمان قزاق‌خانه ملحق شدند و طبق رویه و سازمان ارتش لباس متحدشکل پیدا کردند (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۵۶). بعد از یکپارچگی نیروهای نظامی مراکز آموزشی متعددی چون دانشکده افسری که از ادغام مدرسه قزاقخانه، مدرسه نظام مشیرالدوله و مدرسه بیطاری ژاندارمری، آموزشگاه ستوان، آموزشگاه احتیاط (یکرنگیان، ۱۳۳۶: ۲۵۵)، دانشگاه جنگ و آموزشگاه نیروی هوایی نیز تأسیس شد (ساتن، ۱۳۴۴: ۲۵۸). رضاخان تلاش زیادی در تصویب قانون سربازی نمود (حکمت، ۱۳۵۲: ۲۵-۲۶). نهایتاً قانون خدمت سربازی در سال ۱۳۰۴ ه. ش به تصویب رسید و در مجلس مخالفت خاصی نیز با این قانون صورت نگرفت (مذاکرات مجلس شورای ملی پنجم، جلسه ۱۴۲، و زهیری، ۱۳۷۹: ۹۰). از زمان تصویب قانون سربازی تا اجرایی شدن آن ۱۵ ماه طول کشید (آریا بخشایش، ۱۳۸۸: ۶۴). با این وجود مخالفت‌هایی با این قانون از سوی مردم و علما صورت گرفت (نجفی، ۱۳۹۱: ۸۴). علت مقاومت‌های مردمی عدم درک از منافع ملی و امنیت داخلی بود. گروه‌های مخالف مخصوصاً عشایر و ایل‌ها، مخالفت‌های گسترده‌ای با رویه‌های سربازگیری صورت دادند. البته در حکومت رضاشاه که در پی ارتش مدرن و قدرتمند بود، هیچ اعتنایی نسبت به خواسته ایل‌ها و عشایر صورت نگرفت (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹۸). بنابراین از دل سازمانی که در ابتدا نظم و سلسله مراتب منسجمی نداشت سازمانی شکل گرفت که توانست ارتش مدرن ایران را به نحوی شکل دهد که با دوره‌های قبل متفاوت بود (قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۰۷) و سربازی به یکی از ارکان تأمین نیروی انسانی ارتش ایران تبدیل شد.

در طول دوره پهلوی در اصل قانون سربازی تغییرات اساسی صورت نگرفت (صنعتی، ۱۴۰۰: ۲۵۹). تنها در سال ۱۳۳۵ موضوع خدمت وظیفه عمومی از ارتش به وزارت کشور منتقل شد که البته این قانون در سال ۱۳۴۱ اجرایی شد (ریاضی، ۱۳۹۹: ۱۴۳). خدمت وظیفه عمومی در ایران دو مورد از مهم‌ترین شاخصه‌های خود مبنی بر اجباری بودن و بالای ۱۸ ماه بودن را همواره با خود داشته است (نیازی و نوده‌فراهانی، ۱۳۹۳: ۱۱). در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، بعد از جنگ جهانی دوم و وقوع تغییرات تکنولوژیکی در نوع جنگ‌ها، قانون سربازی و نحوه سربازگیری تغییر یافته است (حلیمی و پائیار، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۶۱). لذا طی یک قرن گذشته قانون سربازی با وجود تغییرات داخلی و بین‌المللی دست نخورده مانده است (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۵۱۴).

کارکردهای پدیده سربازی

سربازی مانند هر پدیده اجتماعی دارای کارکردهای و کژکارکردهایی است. از این رو تحلیل داده‌ها نشان داد که این پدیده در عصر پهلوی کارکردهای مثبتی از جمله مدرنیزاسیون ارتش، تغییر نظم سنتی جامعه، پیشگیری از انحصار قومیتی در ارتش و کاهش خطر کودتا، قانونی کردن شناسنامه، کارکرد پنهان ادغام اجتماعی و کارکرد پنهان باز اجتماعی شدن را داشته است. کارکرد منفی پدیده سربازی نیز کژکارکرد اعمال کنترل بر جامعه، کنترل نظام خانواده، خویشاوندی و تسلیم‌پذیری جوانان به عنوان نیروهای سرکش و یاغی بوده است. در ادامه هریک از این کارکردها تشریح و توضیح داده خواهد شد.

یکم: سربازی و مدرنیزاسیون ارتش

در تاریخ شکل‌گیری دولت‌های جدید، ارتش نیرومند یکی از پایه‌های ملت‌سازی و ابزاری برای حفظ حاکمیت به شمار می‌رود (هلد، ۱۳۸۶: ۷۲). ارتش نیرومند به سازمان بروکراسی کارآمد نیاز دارد. اهمیت سازماندهی در ارتش به حدی است که وبر بروکراسی مدرن را برگرفته از سازمان ارتش می‌داند (وبر، ۱۳۸۴: ۹۲). ارتش نوین هم خواسته روشنفکران عصر مشروطه و هم یکی از خواسته‌های اصلی حکومت پهلوی بود. ارتش به سازمان اداری منظم و کارآمد نیاز داشت علاوه بر آن تامین نیروی انسانی نیز از مشکلات آن بود. مسئله تامین نیروی انسانی به دو روش قابل تامین بود. اول استخدام نیروی انسانی حرفه‌ای که به دلیل ضعف مالی حکومت به طور کامل مقدور نبود و دوم نیروی سرباز بود که در کشورهای متعددی متداول شده بود.

چنانکه اکثر محققان اذعان دارند یکی از مهم‌ترین اقدامات در جهت مدرنیزاسیون ارتش در ایران قانون خدمت سربازی بود (ابراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۳۳). با تصویب قانون سربازی ۱۳۰۴ شمسی مشکل تامین نیروی انسانی ارتش برای همیشه برطرف شد. این سیاست در دوره رضاشاه موافق ایده‌ها و دیدگاه‌های مشروطه خواهان بود پس علی‌رغم مشکلات فراوان برای اجرای آن نهایتاً اجرا شد (مختاری، ۱۳۲۶: ۳۳۴). خدمت سربازی دو ویژگی اصلی داشت، همگانی بودن^۱ و اجباری بودن^۲ که آن را از شیوه‌های سربازگیری پیش از آن متمایز می‌ساخت و نیروی انسانی لایزالی برای جنگ‌ها فراهم می‌کرد (می‌پر، ۱۳۶۸: ۴۲). خدمت نظام وظیفه در پیوند با مقولاتی مانند ملت، شهروندی و جامعه سیاسی به وجود آمد چون شهروندان وظیفه داشتند در مقابل حمایت‌های حقوقی دولت از آن‌ها متقابلاً به تکالیف‌شان از جمله خدمت سربازی عمل نمایند (بیکران بهشت، ۱۳۹۱: ۱۳). قانون سبج احوال هم که همه افراد کشور ملزم به داشتن آن بودند پیوند دولت و ملت را امری همیشگی و نظام‌مند ساخت (Tibi, 1990: 120-121). ارتش نوین ایران اگرچه به صورت کوتاه مدت از متفقین شکست خورد اما در زمان محمدرضا شاه از سال ۱۳۳۲ ه.ش تا ۱۳۵۶ ه.ش افزایش بودجه ۱۲ برابری را تجربه کرد که چنین منابعی باعث تقویت تجهیزات ارتش شد (ابراهامیان، ۱۳۹۱: ۲۲۷). برنامه‌های دولت‌سازی و مدرنیزاسیون نظامی پهلوی باعث شد که سازماندهی منابع مالی برای توسعه-صنعتی ایجاد شود. چون با کمک نیروی ارتش می‌توانست مالیات جمع‌آوری کند (کدی، ۱۳۸۱: ۱۴۴). ارتش علاوه بر کارکردهای امنیتی و مالی کارکرد جامعه‌پذیری نیز داشت زیرا شهروندان ذکور تحت تعالیم و نمادهای ملی گرایانه‌ای چون سرود ملی، پرچم و لباس‌های متحدالشکل قرار می‌گرفتند و خود را به عنوان ایرانی و در خدمت کشور ایران باز می‌شناختند. در طی مدرنیزاسیون حکومت پهلوی ارتش در کنار آموزش و پرورش و سایر نهادهای دولتی کارگزاران تغییر انسان سنتی به شهروند ناسیونالیسم و شهروندی سیاسی شدند (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۳۱-۲۳۸). پس سربازی هم کارکرد تامین نیروی انسانی ارتش را داشت و هم به دلیل ارزان بودن به صرفه‌جویی در هزینه‌های آن کمک کرد. در مقابل ارتش نیز با فراخواندن سربازان و آموزش‌های نظامی به تربیت شهروندان پرداخت و با ایجاد امنیت و مالیات ستانی به تامین بودجه کشور کمک کرد.

دوم: تغییر نظم سنتی جامعه

دولت ایران از اواخر دوره قاجار تا تشکیل حکومت رضاشاه از تقویت ارتش ملی ناتوان بود. سران ایلات و عشایر در گوشه و کنار کشور قدرت قابل توجهی داشتند. قاجاق اسلحه از انگلستان به ایلات ایران همه ایلات، مخصوصاً قبایل جنوب کشور را بسیار قدرتمندتر از ارتش ساخته بود. آن‌ها حتی تهدید به در اختیار گرفتن سلطنت می‌کردند. در زمان قاجار ناصرالدین شاه شکایت می‌کرد

^۱ Universal

^۲ Being mandatory

^۳ Meyer

که من نه ارتش نیرومندی دارم و نه مهماتی برای ساختن چنین ارتشی (فرمانفرمایان، ۱۳۴۱: ۷۷). با تصویب قانون سربازی و با نهادینه شدن آن در پیوند با قانون سجل احوال حکومت پهلوی توانست نیروی انسانی ارتش را تامین کند. با توجه به اینکه نهادهای اجتماعی به واسطه دوام، پذیرش اجتماعی و فراگیری‌شان مهمترین سازمان‌های اجتماعی‌اند که در همه جوامع وجود دارند (قلی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۳۷) لذا نهادینه شدن سربازی و مقابله با نهادهای نظم کهن ایلایاتی بسیار پر هزینه بود. به عبارتی نظم‌ی نظامی حاصل از فروپاشی نظم سنتی برای طرفداران مدرنیزاسیون صرفاً به عنوان نتایج طبیعی تلقی می‌شد، ولی نیروهای اجتماعی سنتی‌تر نمی‌توانستند چنین تغییرات سریعی را بپذیرند. خوانین و زمین‌داران بزرگ از مخالفین خدمت نظام وظیفه بودند: «به اعتقاد بیشتر زمین‌داران بزرگ قانون نظام وظیفه اقتدارپدربمآبانه آن‌ها را از بین خواهد برد» (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۴۵). بنابراین اجرای قانون سربازی با مقاومت‌های بسیاری از سوی مردم و مخصوصاً نهاد روحانیت مواجه شد. البته یکی از مهم‌ترین دلایل این اعتراضات نحوه سربازگیری و نحوه برخورد نظامیان با مردم نیز بود (آریابخشایش، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۸؛ نیازی و شالچی، ۱۳۹۲: ۶۱-۵۵). چون علمای اصفهان و قم به مدت ۱۰۵ روز از شهریور تا دی ۱۳۰۶ علاوه بر قانون نظام اجباری به شیوه به خدمت گیری سربازان هم مخالفت می‌کردند (مکی، ۱۳۵۹: ۴۳۴). اما با این اعتراضات علما، از سوی سایر علمای وقت همراهی لازم صورت نگرفت (میراحمدی و جباری نصیر، ۱۳۸۸: ۱۷۷-۱۷۹). در نهایت دولت با اجرای قانون سربازی امتیازات و قدرت گروه‌های سنتی را به نفع بروکراسی حکومت مرکزی تضعیف کرد. ساختار محلی و ایلی جامعه ایران در معرض دگرگونی قرار گرفت (روشنفکر و رودبالی، ۱۴۰۰: ۴۸). این تغییرات زمینه گسترش شهروندی و نفوذ دولت برای اجرای برنامه‌های مدرنیزاسیون جامعه ایران را فراهم کرد.

سوم: پیشگیری از انحصار قومیتی در ارتش و کاهش خطر کودتا

۲۸ تیر ۱۲۹۴ ش. وزیر مختار روس آتتر^۱ و وزیر مختار انگلیس مارلینگ^۲ در طرح مشترکی به سپهدار، نخست وزیر وقت ایران خواستار تشکیل نیروی امنیتی در جنوب (از شهروندان مستعمراتی بریتانیا و عده‌ای سرباز ایرانی) و شمال ایران (با نیروی قزاق و تحت فرمان افسران روس) شدند. این طرح پس از طرح شدن در هیئت وزیران تصویب شد. دو کشور متعهد شدند که هزینه این نیروی نظامی را بپردازند (نایب پور، ۱۳۸۵: ۷). این نیروها در سال ۱۳۰۰ ه. ش به همراه ژاندارمری و نظام سربازی توسط رضاخان در جهت سامان ارتش نوین ایران تجمیع شدند (کرونین، ۱۳۷۷: ۴۴۳). ارتش ایران در حدود سال ۱۳۱۰ بالغ بر ۸۰ هزار نفر می‌شد. این حجم از نیروی نظامی ۴۷ درصد بودجه کشور را شامل می‌شد (نایب پور، ۱۳۸۵: ۸). گسترش ابعاد اقتصادی و نیروی انسانی ارتش فرصتی بود تا کشور از اتکا به نیروی ایل‌ها و اقوام خاص رهایی یابد و تاکید رضا شاه بر اندیشه‌های ناسیونالیستی و به خصوص تاریخ باستان ایران، هم در سطح نظام آموزش عمومی و هم در نهادهای نظامی سعی بر آن داشت تا هویت ایرانی-آریایی را در سطح کشور و شهروندان برجسته نماید و هویت قومی را به هویتی درجه دوم فروبکاهد (وزیری، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۷).

خدمت وظیفه ترکیب قومیتی ارتش که تا قبل از آن مبتنی بر نیروی قوم آذری/ترکی بود را به نیرویی مرکب از همه قومیت‌های کشور تغییر داد. اما خود این امر از طرفی کارایی ارتش را در کوتاه مدت کاهش داد چون نیروی سرباز آموزش مناسب نمی‌دید و توان جنگاوری بالایی نداشت (کرونین، ۱۳۹۰: ۷۵). قانون سجل احوال و فراگیری سربازی به مشارکت اجباری همه اقوام و مناطق کشور در ارتش ملی منجر شد. هر شهروندی که در ذیل حاکمیت ایران بود باید با مراجعه به مراکز رسمی شناسنامه دریافت می‌کرد. چنانکه

¹ Author

² Marling

اولین سرشماری رسمی در تاریخ کشور در سال ۱۳۱۸ انجام شد (نورالهی و نائینی، ۱۳۸۴: ۸).

چهارم: قانونی کردن شناسنامه

زمانی که خدمت سربازی که یکی از آرزوهای دیرین اصلاح‌طلبان برای برقراری ارتش مدرن بود به ثمر نشست (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۳۱) یکی از مشکلاتی که سر راه آن بود نبود اطلاع از تعداد نفوس کشور بود. از این رو شکل‌گیری خدمت سربازی با خود لزوم تغییراتی در سایر نهادهای کشور را همراه داشت. از جمله این نهادها قانون سبج احوال و شکل‌گیری بروکراسی متناسب با این قانون بود. مجلس شورای ملی دو مصوبه خدمت سربازی اجباری و سبج احوال را در همین راستا ارائه داد. ایران برای دولت-ملت‌سازی و تحکیم نظام نوپای پهلوی باید شهروندان را زیر چتری فراگیر از قوانین قرار می‌داد. پروژه تعیین هویت افراد که با قانون سبج احوال به قانون تصویب شده بود یکی برنامه‌های اساسی دولت در آن زمان بود (بنی احمد، ۲۵۳۶: ۳۵۱). مسئولیت جمع‌آوری آمارها و ثبت احوال شخصیه، برعهده اداره «احصائیه و سبج احوال» گذاشته شده بود (محمدی، ۱۳۹۵: ۴۹). با توجه به اینکه قانون سربازگیری منوط به رسیدن سن مردان به ۲۱ سال بود (رازنهان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۷) از این رو بسیاری از مردم از اخذ شناسنامه سرباز زدند (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۷۸). این فرایند تا مدت‌ها ادامه داشت در برخی مناطق با قشون کشی ارتش به طوایف معارض، سعی بر آن شد تا با خشونت آن‌ها وادار به گرفتن شناسنامه کنند. مقاومت به حدی بود که در آن زمان که برای واکسیناسیون بیماری‌های واگیر مثل آبله به روستاها مراجعه می‌شد روستاییان روستاها را ترک می‌کردند. چون روستاییان تصور می‌کردند که برای سربازگیری به آنجا مراجعه شده است (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۸۰) بسیاری از مردم برای عدم تمکین به دولت و فرستادن فرزند خود به سربازی هیچ وقت شناسنامه نگرفتند (رمزجویی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). با همه این مقاومت‌ها سربازی و قانون سبج احوال هم‌زمان با هم در سراسر کشور فراگیر شد و با شکل‌گیری سیستم اداری مدرن این روند تسریع شد. قانون سبج احوال در سال ۱۳۱۹ بازنگری و اصلاح شد و به صورت قانون جامعی با ۱۳۱ ماده درآمد (محمدی، ۱۳۹۵: ۵۲). این قانون بعد از انقلاب نیز تغییراتی داشت تا به شکل امروزی آن درآمده است.

پنجم: کارکرد پنهان ادغام اجتماعی

در حالی که کارکرد آشکار همراه با قصد قبلی عاملان و پیش‌بینی شده است، کارکرد پنهان نتایج پیش‌بینی نشده و ناآگاهانه هستند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۱). مرتن این نکته را آشکار کرد که پیامدهای پیش‌بینی نشده و کارکردهای پنهان^۱، یکی نیستند. کارکرد پنهان برای وجود سیستم کارکرد مثبت دارد ولی کارکردهای پیش‌بینی نشده ممکن است برای یک نظام خاصیت کژکارکرد داشته باشد (ریتزر، ۱۳۸۷: ۱۴۸). در بیشتر سال‌های قرن نوزدهم نیروی نیروی نظامی ایران متشکل از چند گروه بود این گروه‌ها شامل یک نیروی نظامی ویژه سلطنتی، گروه‌های مردمی که گروه‌هایی مسلح بودند، نیروی سواره نظام قبیله‌ای و یک گروه جدید با عنوان نظام جدید (ابراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۵۰). نیروی ویژه سلطنتی تحت فرماندهی اشراف قاجار عمل می‌کرد. گروه‌های مسلح مردمی متشکل از شیعیان در درون هر منطقه بودند، این عده تحت فرمان افسران محلی و هزینه آن‌ها از مالیات هر منطقه تامین می‌شد. این سربازان نظم و مقررات نظامی مدونی نداشتند و هر کدام از حاکمان محلی خود حمایت می‌کردند و از آن‌ها فرمان می‌بردند. سواره نظام‌های قبیله‌ای نیز عموماً نیروی ایلی بودند و تحت فرماندهی رئیس ایل بودند. این سربازان اخیر به ندرت وظایف خود را انجام می‌دادند مگر به آن‌ها

¹ Hidden Function

وعده غارت و چپاول داده می‌شد (Malcolm, 1815: 357). نیروی نظامی محلی بنا به مصلحت و حاکمیت هر منطقه به شیوه خاص خود عمل می‌کرد. ایل‌های مختلف و مناطق مختلف کشور بعد از شکل‌گیری ارتش نوین تحت فرماندهی واحد درآمدند. آموزش و نظام بروکراتیک ارتش جدید هویت سربازان را با آنچه در گذشته بود متمایز ساخت. سربازان حالا در نظم جدید نه برای ناموس، قبیله و ایل و نه با فتوای علما (برای شرکت در جنگ ایران و روس) بلکه برای دفاع از وطن و بر طبق قانون ملزم به دفاع و جنگ در مواقع لزوم می‌شدند. لذا اقوام مختلف در نظم عقلایی قانونی جدید همه با یک ویژگی هویتی مشترک یعنی ایرانی بودن شناخته می‌شدند (قائم‌نیک، ۱۳۹۰: ۸). جمعیت ذکور کشور در محیط‌های نظامی باید فارسی سخن می‌گفتند و با زندگی در کنار سایر قومیت‌ها تحت نمادهای ملی و ایرانی در هویت ایرانی ادغام می‌شدند (ابراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۵۱). با شیوه جدید بازجامعه‌پذیری در ارتش هر شهروند ایرانی باید خود را دارای هویت ایرانی می‌دانست و هویت قومی و محلی خود را به عنوان وجه ثانویه هویت خود ادراک می‌نمود.

ششم: کارکرد پنهان باز اجتماعی شدن^۱

گیدنز جامعه‌پذیری را فرآیندی از کودکی تا مرگ می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۳۳). جامعه‌پذیری هم خودآگاهانه رخ می‌دهد و هم ناآگاهانه. یعنی با مجاب‌شدن یا هم‌نوایی^۲ درونی و اجابت‌کردن^۳ یا هم‌نوایی سطحی (آگ برن و نیم‌کوف، ۱۳۵۶: ۱۵۹-۱۵۴). در بعضی شرایط، افراد بزرگسال ممکن است بازاجتماعی شدن را تجربه کنند، این فرایند بدین صورت است که فرد عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای خود را کنار می‌گذارد و به صورت مجدد نوعی متفاوت از آن‌ها را فرا می‌گیرد. در محیط‌هایی مانند سربازخانه‌ها، تیمارستان و بازداشتگاه‌ها مواردی این چنین (باز اجتماعی شدن) به شدت رخ می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

یکی از نتایج ارتش نوین و سربازگیری در کشور این بود که سربازی علاوه بر آموزش‌های تخصصی و نظامی با آموزش‌های ناسیونالیستی همراه گردید. با متحدالشکل شدن لباس‌ها و همچنین شکل‌گیری پادگان‌ها برای آموزش به سربازان، سربازان در یک چرخه از آموزش نظامی و تربیتی و عقیدتی دورانی از باز اجتماعی شدن را تجربه کردند. سامانه بزرگ آموزشی در نهادهای نظامی به عنوان مدرسه بزرگ ملت تربیت و آموزش شهروندان ذکور کشور را بر عهده گرفت (ایمانی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۴۹). در پادگان‌های نظامی و آموزشی، سربازان در فرایند ملت‌سازی و بازاجتماعی شدن به نیروی مطلوب نظامی تبدیل می‌شدند. برنامه و سیاست‌های آموزشی مولفه دوم و مهم‌ترین مولفه سیاست‌گذاری سربازی است (فرید، ۱۳۸۳: ۷۹). سیاست وحدت، انسجام و انضباط در سازمان‌های نظامی مبنای آموزش، تربیت و فرهنگ‌سازی در محیط‌های نظامی است (شعبانی، ۱۳۸۱: ۱۳۹). بدین ترتیب سیاست‌های آموزش که در مراکز نظامی به سربازان داده می‌شد جنبه باز جامعه‌پذیری داشت. در زمان پهلوی در آموزش‌های نظامی ایرانیان را دارای روحیه ملی و خلل‌ناپذیر می‌دانستند و با آموزش مواردی از این دست (شجاعت، ادب و شرافت ایرانی، و سایر خصائل برجسته) سعی در تعلیم و بر ساخت هویتی یکدست از هویت ایرانی برای جامعه‌پذیری مجدد جوانان داشتند (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۷۴).

هفتم: کارکرد اعمال کنترل بر جامعه

^۱ Resocialization

^۲ Conformity

^۳ Compliance

^۴ Byrne & Koff

جامعه‌شناسان سازمان ارتش را سازمانی تام و کامل، دارای سلسله مراتب، نظم و انضباط و با فرماندهی مسلط می‌دانند (بشیری، ۱۳۷۳: ۱۶۹). حضور جمعیت سرباز در ارتش که بر اساس «روابط غیر شخصی اداره می‌شد و برای رسیدن به هدف‌های معین ایجاد گردیده بود» (گیدنز^۱، ۱۳۸۹: ۳۱۵) کیفیت نیروی انسانی کشور را در جهت ساخت جامعه‌ای مدرن ارتقا می‌بخشید چون افرادی از سراسر کشور و با هویت‌های قومی را به هویت مشترک ملی پیوند می‌داد. در واقع سربازان طی مناسک‌های اجتماعی و رسمی در سازمان نظامی ارتش، هویت ایرانی می‌یافتند. این شیوه هویت‌یابی در فرایند ملت-سازی موثر بود. چون ناسیونالیسم در همه جا به شکل‌گیری احساس تعلق به ملت و آگاهی از ملت بودن، ایدئولوژی ملت بودن و نمادها و زبان ملی همراه بوده است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۵).

رشد ناسیونالیسم و گرایش حکومت پهلوی به برساخت هویتی آرمانی-آریایی هویت‌های قومی را نادیده می‌گرفت. کنترل سربازان در سازمان‌ها و پادگان‌های نظامی اطلاعات جامعی از ساخت فرهنگی و قومیتی کشور در اختیار دولت قرار می‌داد. حکومت پهلوی با استفاده از این سازمان‌ها، اعمال قدرت و کنترل را بر جامعه بیشتر کرد. اعمال کنترل هر چه بیشتر بر جامعه، بین این نظام و ملت فاصله قدرت ایجاد نمود. تغییر نظام سربازگیری، تاسیس دانشکده افسری در ۱۳۰۰ ش، متحدالشکل شدن لباس نظامیان، کنارگذاشتن نظامیان خارجی، تشکیل اداره تأمینات و آگاهی شهربانی به عنوان نیروی پلیس امنیت سیاسی و اطلاعاتی اقداماتی بود که برای سازمان دادن جامعه برای امنیت سیاسی صورت گرفتند (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۴۸). اقدامات این دوره مخصوصاً در قالب طرح‌های فراگیر سربازگیری و اجرای قانون ثبت احوال سازماندهی جمعیت کشور را تسهیل کرد. با این حساب اعمال سیاست‌های اجتماعی بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی و قومیتی اثری نامطلوب بر مشروعیت نظام پهلوی نهاد.

هشتم: کنترل نظام خانواده، خویشاوندی و قبیله‌گری

نظام خدمت وظیفه همگانی مدرن رابطه ملت و دولت را تثبیت کرد چون مردم را به شهروند دولت‌ها تبدیل نمود و به طور مداوم هر نسل از شهروندان لازم بود بخشی از عمر خود را در خدمت اجباری به سرزمین خود بگذرانند. لذا دولت‌ها دیگر نیاز نبود همچون قبل از انقلاب فرانسه از ولگردان، دزدان، اسرا و زندانیان سرباز انتخاب کنند (Hippler, 2008: 118). این روند با وجود برخی تفاوت‌ها در ایران نیز وجود داشت چون با اجباری شدن سربازی، شهروندان اعم از قبایل، ایل‌ها، روستاییان و شهرنشینان نیروی کار خود را به مراکز آموزشی می‌فرستادند. سربازان با ترک خانواده نوعی از زندگی اجتماعی ملی و فراتر از منطقه زندگی خود را تجربه می‌کردند. آن‌ها با گذراندن دوره خدمت دارای حقوق مدنی می‌شدند (شیخ نوری، ۱۳۸۵: ۱۸). این روند با موانعی روبرو بود چرا که بسیاری از مردم ایران مخصوصاً در مناطق عشایری، روستایی و حاشیه‌ای کشور به دلیل نیاز به نیروی کار موضع خصمانه‌ای نسبت به حاکمیت داشتند. آن‌ها دولت را در موقعیت یک تاراج‌کننده می‌دیدند که حاصل زحمات پدر و مادر را در سن ۲۰ سالگی به سربازی می‌برد. بسیاری از طوایف و ایلات بر اساس این دیدگاه به درگیری نظامی با حاکمیت پرداختند (نیر شیرازی، ۱۳۸۷: ۹۷). چنانکه رئیس یکی از طوایف می‌گفت: «هر امری داشته باشید آن را می‌پذیریم بجز اینکه «بچه برون» را از ما نخواهید، ما زیر بار این قانون نخواهیم رفت» (تابان سیرت، ۱۳۸۰: ۴۲۵). بنابراین عشایر و ایلات روابط درونی خود را باید تغییر می‌دادند و در خدمت نهادهای دولتی قرار می‌گرفتند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹۸). رهبران ایلات و طوایف بسیار در مقابل قانون جدید مقاومت کردند، چون یک فرد

¹ Giddens

ایلاتی می‌توانست در خدمت وظیفه از مرجعی غیر از رئیس طایفه فرمان‌بردار و شیوه جدید خلاف آموزه‌های سنتی بود (مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۳۶). لذا بسیاری از نخبگان سنتی امتیازات خود را در معرض خطر می‌دیدند، ارتش‌ها و جنگجویان محلی مالکان و بزرگان طوایف در مقابل ارتش ملی خلع سلاح می‌شدند (اتابکی، ۱۳۸۵: ۱۶۳). بنابراین اجرای قانون سربازی با کاهش نیروی کار و تغییر نظم با ثبات سنتی خانوادگی و ایلی علی‌رغم ایجاد امنیت در کشور نتوانست نیروی مدرنی را جایگزین آن کند. این مخالفت‌ها اگر با تعبیر ناآگاهی از اهمیت دولت-ملت و شهروندی مدرن تفسیر شود، دلایل اقتصادی و اجتماعی مخالفت با سربازی را نادیده می‌گیرد. با این همه قانون سربازی این ظرفیت را داشت تا نیروی انسانی ارتش را تامین کند (کرونین، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۶۳) و هر خانواده ایرانی باید فرزند ذکور خود را در سن تعیین شده به سربازی می‌فرستاد.

نهم: تسلیم‌پذیری جوانان به عنوان نیروهای سرکش و یاغی

گفته می‌شود که بروکراسی^۱ بر گرفته از سازمان‌های سلسله‌مراتبی نظامی هستند. بروکراسی نظامی قانونی عقلایی و با هدف کارایی است (فقیهی‌ودانای‌فرد، ۱۳۸۵: ۴۶). بروکراسی نوین با دقت و کارایی لازم مناسب در شمار سربازان تحول ایجاد کرده بود، تعداد سربازان از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۲۰ از ۴۲۰۰۰ نفر به ۱۲۷۰۰۰ نفر رسیده بود و تا ۴۰۰۰۰۰ هزار نفر نیز قابلیت بسیج وجود داشت، لذا برای جمعیت ۵ میلیون نفری ایران در زمان پهلوی اول رقمی عظیم به حساب می‌آمد (کرونین، ۱۳۹۰: ۷۴). در سلسله‌مراتب نظامی رعایت شرایط و ضوابط منظم، موقعیت‌هایی از عدم تسلط فرد بر فرایند کار را خلق می‌کند. رویه‌هایی چون فرماندهی متمرکز، سلسله‌مراتب سرکوب‌گر، نظم و انضباط گروهی، روحیه‌ی همبستگی و یکپارچگی روانی سربازان را به نیروی انسانی فاقد احساس در یک نظم بیگانه‌کننده تبدیل می‌سازد. در این سیستم نظم و انضباط گروهی و چگونگی اطاعت و فرمانبرداری از اهمیت اساسی برخوردار است (ادیبی‌سده، ۱۳۸۵: ۷). نظام وظیفه به عنوان شیوه جدیدی از زندگی که همراه با اطاعت محض بود شخصیت سربازان را به افرادی سلطه‌پذیر و تسلیم تبدیل می‌نمود. آن‌ها نظم دستوری و آمرانه را تجربه می‌کردند تمام ساعات شبانه‌روز یک سرباز از لحظه بیداری تا خواب برنامه‌ریزی شد بود. این نوع زیستن در درون بروکراسی و اماکن نظامی روحیه و شخصیت تازه‌ای را خلق کرد. انسانی آموزش دیده در نظم مدرن نظامی که توسط نظم و انضباط به شدت سرکوب شده بود و برای زندگی شهروندی در جامعه آماده می‌شد (سینایی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). به عقیده مرتن اجزای یک نظام در عین داشتن کارکرد مثبت و وحدت کارکردی برای نظام، می‌توانند کارکردهای منفی و کژکارکرد هم داشته باشند (ریترز، ۱۳۸۷: ۱۴۸). سربازی نیز در عین داشتن کارکرد مثبت تربیت شهروندان و جامعه‌پذیر ساختن جوانان، نوعی کژکارکرد نیز داشت که فرهنگ تسلیم‌پذیری و وابستگی را در آن‌ها شکل می‌داد.

نتیجه

سربازی یا خدمت وظیفه جزء لاینفک شکل‌گیری حکومت‌های مطلقه^۲ و لازمه تشکیل دولت-ملت‌های^۳ مدرن است. سربازی (بنیچه) فراگیر در زمان قاجار شروع شده بود، اما نتوانست شکلی منظم در قامت سازمانی نوین بیابد. چرا که ضعف مالی حکومت قاجار، کهنه و ناکارآمد بودن ساخت دیوانی، تحولات بین‌المللی که نمود آن را در لغو قرارداد فین کنشتاین می‌بینیم مانع

^۱ Bureaucracy

^۲ Absolute government

^۳ Nation-state

شکل‌گیری آن شد. با وجود ضعف‌های ساختار بروکراسی و تجربه و توان مالی اندک دولت رضاشاه خدمت سربازی در سال ۱۳۰۴ به منبع اصلی نیروی انسانی ارتش نوین درآمد.

سربازی در کنار دیگر پدیده‌ها هم‌چون سجل احوال، تاسیس ارتش نوین، توسعه حمل‌ونقل، گسترش شهرنشینی^۱ و... با پیوند شهروندان به دولت از طریق قانون، ساخت سیاسی چندپاره و منطقه‌ای کشور را به ساخت سیاسی واحدی مبدل ساخت. شهروندان کشور در مقابل خدماتی که به نظام سیاسی می‌دادند حقوق سیاسی و حق شهروندی دریافت می‌کردند. خدمات این نیروزمینه‌ساز امنیت کشور شد که تا پیش از آن تا حدی توسط پلیس جنوب و قزاق‌خانه‌ها تامین می‌شد. امنیت داخلی و پیوند میان ملت و دولت از کارکردهای اصلی خدمت سربازی بود. ساخت قومیتی نیروهای نظامی ایلات ایران و ساخت تک قومیتی ارتش ایران (ترکی/آذری) با سربازی فروریخت و همه قومیت‌ها امکان ورود به ارتش ملی را یافتند. فراگیری شناسنامه و ادغام اقوام مختلف در سازمان‌های بروکراسی جدید پیوند وثیقی با یکپارچگی و انسجام اجتماعی شهروندان داشت چون شهروندان را از هویت مشترک ملی و ایرانی آگاه می‌ساخت و امکان بازاجتماعی شدن را فراهم می‌نمود. با این وجود پدیده سربازی کژکارکرد یا کارکردمنفی نیز داشت که از آن جمله کژکارکرد اعمال کنترل بر جامعه، کنترل نظام خانواده، خویشاوندی و تسلیم‌پذیری جوانان به عنوان نیروهای سرکش و یاغی بوده است. تلاش برای احاطه و جامعه‌پذیری شهروندان متناسب با نظام سیاسی اگرچه به شکل غالب و مهم‌ترین کارویژه این نهاد در جامعه تبدیل شده بود اما بهای آن را جامعه با محروم شدن از نیروی پویای خود در مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موثر پرداخت کرد. کنترل بر جامعه و اجتماعی کردن جوانان امکان مشارکت اجتماعی در ساخت سیاسی و اجتماعی را محدود می‌ساخت چون طرح مدرنیزاسیون آمرانه پهلوی فرصت کنشگری محدودی برای شهروندان فراهم می‌ساخت و این خود باعث بیگانگی تدریجی شهروندان با این ساختار سیاسی می‌شد. همه موارد گفته شده در یک نگاه کلی امکانات و محدودیت‌هایی را پیش روی جامعه ایران قرار می‌دهد. با اینکه جامعه ایران در ابتدا به حقوق شهروند و توزان قومیتی در ارتش، امنیت و... نیاز داشت و کماکان نیز نیاز دارد اما امروزه این موارد را می‌تواند با نهادهای دیگری نیز برآورده سازد.

منابع

- آریابخشایش، یحیی (۱۳۸۸). «نظام اجباری»، مطالعات تاریخی، دوره‌ی ۲۵، شماره‌ی ۶، صص ۴۴-۸۵.
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۸). از سیاست تا فرهنگ، سیاست‌های فرهنگی دولت در ایران (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، تهران: سروش.
- آجودانی، ماشالله (۱۳۸۶). روشنفکران ایران در عصر مشروطیت، تهران: نشر اختران، چاپ اول.
- آگ‌برن، ویلیام فیلدینگ و مایرفرانسیس نیم‌کوف (۱۳۵۶). زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران: نشر گسترده.
- آوری، پیت (۱۳۶۳). تاریخ معاصر ایران از تاسیس تا انقراض قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات عطایی.
- ابراهامیان، پرواند (۱۳۸۹). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی.
- ابراهامیان، پرواند (۱۳۹۱). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴). مبانی علم سیاست، تهران: توس، چاپ دهم.
- اتابکی، تورج (۱۳۸۵). تجدد آمرانه، جامعه و دولت در عصر رضاشاه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: فقه‌نوس.
- ادیبی‌سده، مهدی (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران: سمت، چاپ دوم.

¹ Urbanization

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کلمه.
- اشتراوس، انسلم و جولیت کورین (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه‌زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه منصور انصاری، تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). تبارشناسی هویت جدید ایرانی؛ عصر قاجاریه و پهلوی اول، تهران: علمی فرهنگی.
- احتشام السلطنه، محمود میرزا (۱۳۶۷). خاطرات احتشام السلطنه، تحقیق سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- ایمانی، علی و علی اصغر قاسمی (۱۳۹۵). «سیاست‌گذاری خدمت سربازی و فرایند ملت‌سازی در ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۵، شماره ۱۸ (پیاپی ۴۸)، صص ۳۵-۶۶.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نی.
- بنی احمد، احمد (۲۵۳۶). تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه کبیر، تهران: بی‌نا.
- بیکران بهشت، محمد (۱۳۹۰). «تولد خدمت نظام وظیفه عمومی در ایران: براساس مذاکرات مجلس، روحانیت و مقالات نشریه قشون»، پایان‌نامه دانشگاه تهران.
- تابان سیرت، کاووس (۱۳۸۰). دلاوران کوهستان بویراحمد دلیران تنگ تامرادی، قم: موسسه فرهنگی طبیین.
- حاجبی، غلامحسین (۱۳۰۴). «امیر کبیر گیلان‌نشاء؛ یکصد و پنجاه سال سلطنت در ایران»، مجله قشون، دوره ۴، شماره ۴، صص ۳۴-۳۷.
- حلیمی جلودار، حبیب الله و عزت الله پاتیار (۱۳۹۳). «خدمت سربازی حرفه‌ای از منظر قرآن و نهج البلاغه»، سیاست‌های دفاعی، دوره ۲۲، شماره ۸۶، صص ۱۳۲-۱۶۲.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۵۲). «یادداشت‌هایی از عصر پهلوی (روحانیون)»، خاطرات وحید، جلد ۲۹، صص ۱۹-۳۲.
- دادرویشی، رضا (۱۳۷۹). ارتش در عصر پهلوی، تهران: انتشارات جهان کتاب، چاپ اول.
- رازنهن، حسن؛ یزدانی، سهراب و سپاهی، عبدالودود (۱۳۹۶). «ریشه‌یابی مخالفت مردم بلوچستان با اجرای قانون سبج احوال در دوره پهلوی اول»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۲۱۷-۲۴۴.
- رزمجویی، محمدکرم (۱۳۸۷). کشتار دلاوران، گوشه‌ای از تاریخ مبارزات غیور مردان ایل بویراحمد، شیراز: انتشارات کیانی نشر.
- روشنفکر، محمد مهدی و رضا معینی رودبالی (۱۴۰۰). «قانون خدمت نظام وظیفه و جامعه ایلی؛ با تکیه بر ایل بویراحمد»، مطالعات تاریخی جنگ، دره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۵)، صص ۴۷-۶۷.
- ریاضی، وحید (۱۳۹۹). «تحلیلی بر سرباز حرفه‌ای در آینده سازمان نظامی ایران»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۶، شماره ۴ (پیاپی ۲۴)، صص ۱۳۹-۱۵۹.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

- زهیری، علیرضا (۱۳۷۹). عصر پهلوی به روایت اسناد، قم: دفتر نشر و پخش معارف.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۵۵). «جنگ و جمعیت در قرن بیستم»، مجله دانشکده، تهران، دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۷-۲۸.
- ژوبر، پیرآمده (۱۳۴۷). مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- سیدبنکدار، سیدمسعود (۱۳۸۸). «برقراری نظام سربازگیری در اصفهان دوره پهلوی اول»، گنجینه اسناد، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۹-۱۴.
- ساتن، ال. پی. ال. ال (۱۳۴۴). رضا شاه کبیر یا ایران نو، ترجمه و تألیف عبدالعظیم صبور، تهران: نشر علمی.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۲). کشاکش‌آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: نشر نی.
- سینایی، وحید و حمید مسعودی (۱۳۹۲). «جامعه‌پذیری و بازجامعه‌پذیری سیاسی در نظام‌وظیفه مطالعه‌ی نگرش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۲، صص ۷۹-۱۰۴.
- سینایی، وحید (۱۳۹۰). «بررسی تاثیر استراتژی‌ها و فناوری‌های نوین در تحولات نظام‌وظیفه به ارتش حرفه‌ای»، فصلنامه‌ی سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲، صص ۲۱۱-۱۹۷.
- سینایی، وحید (۱۳۸۸). «دولت مدرن، ارتش ملی و نظام وظیفه»، پژوهش سیاست نظری، دور جدید، شماره ۷، صص ۹۵-۱۱۱.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۱). مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: انتشارات سمت، چاپ یازدهم.
- شیخ‌نوری، محمدمیر (۱۳۸۵). «تغییر ساختار ارتش ایران از سنتی به مدرن»، مجله زمانه، شماره ۵۲، صص ۴-۲۱.
- صنعتی، سیدمهدی (۱۴۰۰). «بررسی میزان انطباق خدمت سربازی با شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، قانون یار، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۲۵۵-۲۷۶.
- عباسی، علی (۱۳۸۴). «بررسی نگرش جوانان نسبت به خدمت‌وظیفه و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه مدیریت نظامی، دوره ۶، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۱۵۳-۱۸۳.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲). تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی، تهران: آشیان، چاپ اول.
- فرمانفرمایان، حافظ (۱۳۴۱). خاطرات سیاسی امین‌الدوله، تهران: کتاب‌های ایران.
- فقیهی، ابوالحسن و حسن دانایی‌فرد (۱۳۸۵). بروکراسی و توسعه در ایران؛ (نگاهی تاریخی-تطبیقی)، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فوران، جان (۱۳۹۲). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا، چاپ چهاردهم.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۲۶). تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران از قرن یازده هجری تا سال ۱۳۰۱ هجری، تهران: علمی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۶). «ورقی از تاریخ ارتش ایران: تاریخچه سربازی در ایران»، بررسی‌های تاریخی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۶۴-۹۲.
- قائمی‌نیک، رضا (۱۳۹۰). «انباشت تاریخی یک مسئله اعتباری»، مجله هابیل، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱-۲۱.
- قدیمی، ذبیح‌الله (۱۳۲۶). تاریخ بیست و پنج ساله ارتش شاهنشاهی ایران، تهران: نشر مجلس شورای ملی، چاپ اول.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سازمان‌ها: رویکرد جامعه‌شناختی به سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت.

- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۹). دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- کاملی، محمدجواد و فرزاد پویانفر (۱۳۹۹). «راهبردهای معماری آینده خدمت سربازی»، مطالعات راهبردی ناجا، دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- کدی، نیکی ار (۱۳۸۱). ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- کروی، محمدتقی (۱۳۸۲). «جستاری بر طرح خدمت نظام وظیفه عمومی»، فصلنامه علوم اجتماعی: مطالعات جوانان، دوره ۳، شماره ۴۰۳، صص ۴۹-۶۹.
- کرونین، استفانی (۱۳۷۷). ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: انتشارات خجسته.
- کرونین، استفانی (۱۳۹۰). رضاشاه و شکل گیری ایران نوین، دولت و جامعه در زمان رضاشاه، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات جامی.
- گیدنز، آتونی (۱۳۸۹). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آتونی (۱۳۷۷). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محمدی، امیر (۱۳۹۵). تاریخ سبیل و ثبت احوال در ایران، تهران: نشر نگاه گستران فردا.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۱). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲ مراحل و رویه های علمی در روش شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- مختاری، حبیب الله (۱۳۲۶). تاریخ بیداری ایران، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۹۲). پهلوی اول از کودتا تا سقوط، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکی، حسین (۱۳۵۹). مدرس قهرمان آزادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، جلد ۲.
- مکی، حسین (۱۳۶۶). زندگانی میرزا تقی خان امیرکبیر، تهران: انتشارات ایران، چاپ نهم.
- میراحمدی، منصور و حسن جباری نصیر (۱۳۸۸). «گونه شناسی مواضع عالمان شیعی در قبال سیاست های دولت مطلقه پهلوی اول»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۱۶۳-۱۹۷.
- می پر، پیر (۱۳۶۸). جامعه شناسی جنگ و ارتش، ترجمه علیرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی، تهران: قومس.
- نایب پور، محمد (۱۳۸۵). «تحولات ارتش از عهد قاجار تا پایان سلسله پهلوی»، مجله زمانه، شماره ۵۲، صص ۳-۲۱.
- نقیبزاده، احمد (۱۳۷۹). دولت رضاشاه و نظام ایلی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- نیازی، محمد و وحید شالچی (۱۳۹۲). «شکل گیری نظام وظیفه در ایران و طرح ملت سازی در دوره پهلوی اول»، جامعه شناسی تاریخی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۴۱-۶۹.
- نیازی، محمد و اسماعیل نوده فراهانی (۱۳۹۳). گزارش کارشناسی آسیب شناسی فرهنگی اجتماعی، خدمت وظیفه در ایران، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- نیرشیرازی، عبدالرسول (۱۳۸۷). روزگار پهلوی اول، تصحیح و توضیح دکتر محمد یوسف نیری، شیراز: دریای نور.

- نجفی، موسی (۱۳۹۱). اندیشه‌سیاسی و تاریخ نهضت حاج‌آقا نورالله اصفهانی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ چهارم.
- نظری‌زاده، فرهاد؛ میرشاه ولایتی، فرزانه؛ احمدوند، علی محمد و عبدالملکی، یوسف (۱۳۹۰). «آینده پژوهی خدمت سربازی در جمهوری اسلامی ایران (روندهای کلان در افق پانزده ساله)»، راهبرد دفاعی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳۴، صص ۵۵-۸۴.
- نوراللهی، طه و عذرا نائینی (۱۳۸۴). «تاریخچه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران و جهان»، سومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، تهران.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد، مصطفی عمادزاده، تهران: سمت.
- وزیر، رضا (۱۳۸۴). «تجددگرایی و هویت ایرانی در عصر پهلوی»، نشریه زمانه، دوره‌ی ۴، شماره ۴۰، صص ۲۴-۲۹.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸). دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، مترجم فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- هلد، دیوید (۱۳۸۶). شکل‌گیری دولت مدرن، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.
- یکرنگیان، امیرحسین (۱۳۸۴). سیری در تاریخ ارتش ایران، تهران: انتشارات خجسته، چاپ دوم.
- یکرنگیان، امیرحسین (۱۳۳۶). گلگون کفن، گوشه‌ای از تاریخ نظامی ایران، تهران: انتشارات علمی.
- Almond, Gabriel Abraham & Sidney Verba (1963). *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, America: Princeton university press.
- Bassam, Tibi (1990). *The Simultaneity of unsimultaneous, Old Tribes and Imposed Nation-state in The modern Mideast*, In: s, Khoury and Kostiner (Ed), *The Conflict of the Tribe and state in Iran and Afghanistan*, landan: Croom Helm.
- Vuga, Janja & Jelena Juvan (2013). "Work–family conflict between two greedy institutions – the family and the military", *sage journals*, 61(7), pages 1058-1077.
- Hall Arcala, Rosalie (2012). "Modern soldiery interrogated: cataloguing the local military's tasks and their perception of local civilian actors", *Philippine Political Science Journal*, 18(32), pages 1-21.
- Hippler, Thomas (2008). *Citizens, Soldier and National Armies: Military Service in France and Germany, 1789-1830*, London, Routledge.
- Malcolm, Johan (1815). *The History of Persia*, London: Cambridge Book.
- Shafritz, Robertson & David shafritz (1989). *The Facts on File Dictionary of Military Science First Edition, Facts on File*, Los Angeles.